

تحلیل تاثیر شاخص‌های قانونی و علمی تقسیم‌بندی فضا در ارتقاء شهرستان به استان از دیدگاه مردم، مسئولین و متخصصان (مطالعه موردی شهرستان کاشان و پیرامون)

محمد راحمی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

حجت مهکویی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

احمد خادم‌الحسینی*، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

علی شمس‌الدینی، گروه جغرافیا، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۳

چکیده

پویایی، تغییر و تحول از ویژگی‌های فضای جغرافیایی است. در این میان یکی از راهبردهای بنیادی مدیریت فضای جغرافیایی، می‌تواند تقسیم‌بندی فضا به فضاهای کوچک‌تر باشد. موضوع تقسیم‌بندی فضا، در قالب نظام تقسیمات کشوری مطرح می‌شود. به طور کلی هدف اصلی از این فرایند، فراهم سازی بنیان‌های آمایش جغرافیایی فضا و عدالت محیطی در فضای جغرافیایی است. از این رو از دیدگاه دانش جغرافیای سیاسی کاربردی، تقسیم‌بندی متعادل فضای کشور در قالب تقسیمات اداری و سیاسی، مقوله‌ای ضروری به نظر می‌رسد. در کشور ما، با توجه به نوع حاکمیت و مقتضیات محیط طبیعی و انسانی، بارها این تقسیم‌بندی‌ها دستخوش تغییر شده و می‌شود. در چارچوب رویکرد فوق، هدف پژوهش حاضر، تحلیل تاثیر مولفه‌های قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامون، به سطح یک استان از دیدگاه مردم، مسئولین و متخصصان است. روش کلی مطالعه مبتنی بر روش میدانی به کمک طراحی و تحلیل پرسشنامه صورت گرفته است. در این راستا به بررسی آماری متغیرهای موثر و میزان تأثیر آن‌ها در ارتقاء شهرستان کاشان در سه جامعه آماری مردم بومی (۳۸۴ نفر)، مسئولین (۲۳ نفر) و کارشناسان جغرافیای سیاسی (۱۷ نفر) اقدام شد. نتایج بدست آمده با استفاده از روش آنالیز واریانس و آزمون دانکن تحلیل شدند که نشان داد؛ از بین مردم و مسئولین و کارشناسان، پیشنهاد استان شدن شهرستان کاشان، از نظر مسئولین، با رتبه بالا و از دیدگاه کارشناسان با رتبه کمتری است. همچنین به ترتیب الویت، متغیرهای جمعیت، فاصله، دسترسی، حوزه نفوذ، همگنی جمعیت در ارتقاء شهرستان کاشان به استان مؤثرند. از سوی دیگر نتایج آزمون دانکن، نشان داد میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان در ساکنان آران و بیدگل بیشتر از ساکنان میمه، محلات و دلپجان است و در بین ساکنان نطنز، اردستان و کاشان بیشتر از محلات و دلپجان است.

کلمات کلیدی: سازمان‌دهی سیاسی فضا، تقسیمات کشوری، تعادل فضایی، حوزه نفوذ، شهرستان کاشان.

مقدمه

۱- طرح مسأله

یکی از مسائل و چالش‌های اساسی در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری نواحی داخلی کشور، بحث نظام تقسیماتی و ناحیه‌بندی سیاسی است. در داخل هر واحد سیاسی به ویژه در سطح یک کشور مستقل به منظور تسهیل در اداره امور و ایجاد حداکثر کارایی و... تقسیماتی صورت می‌گیرد، کارکردهای سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این واحدها ایجاب می‌کند، که به منظور بهینه‌سازی و ارتقای سطح کارکردهای آن، در چارچوب کلیت دولت ملی، سازمان و ساختار مناسب تقسیماتی ترتیب داده شود تا به صورت مجموعه‌ای هماهنگ در جهت اهداف محلی و ملی یک دولت و نظام سیاسی وظایف مربوطه را انجام دهند، که این امر تسهیل‌کننده حاکمیت ملی و مدیریت سرزمینی را حتی در دورترین نقاط کشور ممکن می‌سازد. در نتیجه اگر این تقسیمات به طور کارآمد طراحی شده باشد می‌تواند پایه‌های حاکمیت دولت را در کلیه نقاط کشور نیرومند سازد (قنبری، ۱۳۸۷).

نظام تقسیمات کشوری فرایندی است که تعیین‌کننده ساختار سلسله مراتب تشکیلات اداری، نحوه استقرار فضایی بخش‌های مختلف اداری، حجم نیروی انسانی، توزیع منابع مالی در بخش‌های عمرانی، تعامل قومی - فرهنگی، نظام مدیریتی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱). در همین ارتباط محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری در واقع ظرف مکانی به شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، وضعیت توپوگرافیک، آمایش سرزمینی جمعیت، ساختار فرهنگی و قومیتی، فعالیت، زیرساخت‌ها، تشکیلات، روابط، حرکات و... دانست (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۹: ۹۰). بنابراین در ظرف زمان و مکان، نظام تقسیمات کشوری یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین اهداف همه دولت‌ها به منظور مدیریت پایدار سرزمین در راستای یک‌پارچگی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی محسوب می‌شود (علی‌محمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

در حال حاضر پنج عامل، تقسیمات کشوری یا قلمروهای اداری و استانی کنونی ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد: استفاده از فن‌آوری، مسائل جمعیتی و اقتصادی، محدودیت منابع، قومیت‌ها و سوءمدیریت (مقیم، ۱۳۸۱: ۱۱۷). در قانون تقسیمات کشوری، مصوب سال ۱۳۶۲ ه.ش، مبنای واحدسازی عمدتاً تک معیاری و برپایه تعداد جمعیت در نظر گرفته شده است؛ در حالی که آنچه که تقسیم می‌شود فضاست و جمعیت، یکی از عناصر عمده محتوایی آن به شمار می‌رود. البته شاید در نظر گرفتن عامل جمعیت در فضاهای جغرافیایی که دارای تجانس و پراکندگی متعادل هستند تا اندازه‌ای واقع بینانه باشد و دستیابی به الگوی مطلوب را میسر سازد؛ به ویژه اگر از تجانس توپوگرافیک و شبکه ارتباطی متوازن و بنیادهای زیستی مناسب و متعادل برخوردار باشد. ولی در مورد فضاهای جغرافیایی ایران که در آن ساختار طبیعی و توپوگرافیکی نامتجانس، شبکه ارتباطی ناقص، الگوی پخش جمعیت و منابع زیستی نامتعادل و گروه‌های فرهنگی و قومی نامتجانس است؛ بسنده کردن به عامل جمعیت در تقسیمات کشوری امری نادرست است. از این رو اصلاح قانون تقسیمات کشوری و در نظر گرفتن الگوی ترکیبی و چندمعیاری برای سازماندهی فضا ضروری است. بدیهی است که باید در این الگوی ترکیبی به معیارها و عوامل توپوگرافیک، وسعت فضا، دسترسی و پراکندگی سکونتگاه‌ها، جمعیت، همسایگی، بنیادهای زیستی، ساختار اقتصادی و اجتماعی، درجه تجانس ناحیه‌ای، ساختار اقلیمی، ساختار فرهنگی - قومی و... توجه کرد تا امکان دستیابی به الگوی متوازن تقسیمات فضا فراهم شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۹۷).

در شرایط کنونی در فرایند تقسیمات اداری - سیاسی استان اصفهان نیز این گونه مسائل نیز مطرح شده و می‌شود. در این استان مسائلی برای برخی شهرستان‌ها از جمله شهرستان کاشان مشاهده می‌شود. مشکلاتی از قبیل فاصله زیاد شهرستان کاشان و برخی

شهرستان‌های اطراف تا مرکز استان، جهت انجام مأموریت‌های اداری، نارضایتی برخی مدیران از انجام گُند پروژه‌ها و یا عدم اجرا به علت دوری و وابستگی به استان، عدم تخصیص بودجه به شهرداری‌ها از طرف دولت، باعث احساس نابرابری در جامعه بومی و مسئولین منطقه، شده است و مقایسه منطقه کاشان، آران و بیدگل و مناطق اطراف با سایر مرکز استان‌های کشور از نظر شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و جغرافیایی، این دغدغه را فراهم ساخت تا به این مقوله از دیدگاه سازمان‌دهی سیاسی فضا مورد کاوش قرار گیرد. از آنجا که مهم‌ترین مؤلفه‌های شاخص‌های رسمی قانونی و علمی عبارت‌اند از: شاخص جمعیت، همگنی جامعه در قانون تقسیمات، دسترسی و فاصله و شاخص حوزه نفوذ مکان مرکزی می‌باشد (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷). در چارچوب فرایند این مطالعه و با توجه به ساختار پژوهشی آن، فرضیات زیر مطرح شده است:

فرضیه اول؛ مولفه جمعیت به عنوان مهم‌ترین پارامتر در سازمان‌دهی فضا و قانون تقسیمات کشوری، ارتباط قوی با ارتقاء به سطح استان در شهرستان کاشان دارد.

فرضیه دوم؛ میزان فاصله از مرکز در اثبات ارتقاء به سطح استان در شهرستان کاشان موثر است.

فرضیه سوم؛ همگنی جامعه محدوده مطالعاتی تأثیر مستقیمی بر ارتقاء شهرستان کاشان به سطح استان دارد.

فرضیه چهارم؛ ارتباط مستقیمی بین زیاد بودن حوزه نفوذ و ارتقاء شهرستان کاشان به سطح استان وجود دارد.

در دوره معاصر عوامل متعددی الگوی تقسیمات کشور تحت تأثیر قرار داده که به‌طور کلی به سه دسته؛

شاخص‌های علمی و قانونی

عوامل جغرافیایی سیاسی امنیتی و راهبردی

عوامل غیرعلمی تقسیم شود

هر یک از این عوامل نیز به شاخه‌های دیگری تقسیم می‌شود در میان این عوامل شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی که یک عامل جغرافیای سیاسی در دوره معاصر بیشترین تأثیر را بر روی تقسیمات کشوری داشته است، حکومت متمرکز و بسیط در دوران معاصر باعث شده حکومت با در اختیار داشتن تمام قدرت سیاسی و اداری و اختیار تصمیم‌گیری در تمام امور محلی منطقه‌ای و ملی نظام تقسیمات کشوری را با توجه به امیال خود به هر نحوی که می‌خواهد طراحی و پیاده کند. در این دوره به موارد بسیاری شاخص‌های علمی و قانونی تحت تأثیر عوامل غیرعلمی و سیاسی و امنیتی قرار گیرد (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۶).

در این راستا پژوهش حاضر سعی دارد تا در چارچوب مؤلفه‌های قانونی و علمی از دیدگاه جغرافیای سیاسی کاربردی، اثرات این مولفه‌ها را در ارتقاء شهرستان کاشان به استان، با توجه به مشکلات و موانع موجود از دیدگاه مردم، مسئولان مربوطه و متخصصان جغرافیای سیاسی مورد بررسی و تحلیل و مقایسه قرار دهد.

۲- مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

سازمان‌دهی سیاسی فضا و الگوی تقسیمات کشوری

از مهمترین اهداف مدیریت سیاسی فضا، ایجاد یک توسعه متوازن در سطح سرزمین است؛ توسعه‌ای که از طریق ارائه بهینه خدمات در سطح سرزمین، باعث کاهش نابرابری‌ها و ایجاد یک عدالت فضایی در سطح سرزمین شود. مدیریت سیاسی فضای یک کشور از طریق تقسیمات اداری- سیاسی صورت می‌گیرد؛ از این رو تقسیمات کشوری از مهم‌ترین مسائلی است که به منظور هرگونه برنامه‌ریزی‌های مدیریتی در سطح کشور و یا نواحی به منظور کاهش نابرابری‌ها و توسعه متوازن همه نواحی یک کشور صورت می‌گیرد و کارآمدی آن، زمانی محقق خواهد شد که بتواند بستر مناسبی را برای رشد و توسعه متوازن همه نواحی فراهم نماید که این امر در صورت وجود ظرفیت‌های قانونی، دستیابی به توسعه محلی از طریق تقسیمات سیاسی بهینه امکان‌پذیر خواهد بود (عاملی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۵). بنابراین کارکردهای سیاسی و غیرسیاسی واحدهای تقسیماتی یک

کشور، ایجاب می‌کند که به منظور بهینه‌سازی و ارتقای سطح کارکردهای آن در چارچوب کشور، سازمان و ساختار مناسب، تقسیماتی ترتیب داده شود تا این واحدها به صورت مجموعه‌های هماهنگ و در جهت اهداف محلی و ملی نظام سیاسی، به وظایف خود عمل کنند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۱). به طور کلی نحوه اعمال اراده سیاسی و چگونگی توزیع قدرت یک حکومت در سطح و فضای درون واحد سیاسی از مهم‌ترین مباحث جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان سازمان سیاسی فضا مطرح است (قالیاف، ۱۳۸۶: ۱۳).

سازمان‌دهی سیاسی فضای هر کشور در قالب تقسیمات کشوری به اجرا در می‌آید. در واقع تقسیم‌بندی اداری - سرزمینی در هر کشوری، مبنایی برای سازمان‌دهی سیاسی و اداره آن کشور است (تومانیان، ۲۰۰۵: ۲۱). به طور کلی عوامل موثر بر تقسیم‌بندی فضای سرزمینی در ایران به دو دسته عوامل تاریخی و معاصر تقسیم می‌شود در دوران تاریخی عوامل زیر در تقسیم‌بندی فضای سرزمینی کشور موثر بوده‌اند (شکل ۱):



شکل (۱): عوامل مؤثر در دوران تاریخی بر نظام تقسیم‌بندی فضا در ایران (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

در دوره معاصر نیز عوامل متعددی الگوی تقسیمات کشوری را تحت تأثیر قرار داده که به سه دسته: الف - شاخص‌های رسمی یا قانونی؛ ب - عوامل جغرافیای سیاسی، امنیتی و راهبردی؛ و ج - عوامل غیررسمی تقسیم می‌شوند (شکل ۲).



شکل (۲): عوامل مؤثر در دوران معاصر بر نظام تقسیم‌بندی فضا در ایران (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

در میان این عوامل شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی که به عنوان یک عامل جغرافیای سیاسی در دوره معاصر، بیشترین میزان تأثیر را بر الگوی تقسیم‌بندی فضایی کشوری داشته است، به طوری که در موارد بسیاری، شاخص‌های رسمی و قانونی، متأثر از عوامل غیررسمی و سیاسی امنیتی قرار گرفته است (اعظمی و دبیری، ۱۳۸۹: ۱۷۷). پیامد چنین نگرشی در تقسیم‌بندی فضایی سرزمین ایران باعث دور شدن کشور از اهداف عالیه تقسیم‌بندی سیاسی فضا بر مبنای مبانی قانونی و علمی شده است که این مسئله خود سبب‌ساز بروز بی‌نظمی‌هایی در سیستم اداری کشور و به وجود آمدن مشکلات فراوانی برای جامعه بومی در هر منطقه‌ای می‌باشد (بلوچی و لطفی، ۱۳۹۶: ۱۵).

از آنجا که شاخص‌های قانونی و علمی شامل حوزه نفوذ، دسترسی و فاصله، همگنی جامعه، شاخص جمعیت می‌باشد. پژوهش حاضر این متغیرها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

حوزه نفوذ^۱

حوزه نفوذ، شامل حداکثر فاصله‌ای است که یک مصرف‌کننده، تمایل به طی آن دارد تا کالا و خدمات مورد نیاز خود را با هزینه مناسب به دست آورد (شکویی، ۱۳۶۹: ۳۸۵). حوزه نفوذ یک شهر عبارت از ناحیه‌ای است که یک مکان مرکزی قادر است مصرف‌کنندگان را از نواحی پیرامون به سوی خود کشیده و کالا و خدمات تولید و عرضه شده در مکان مرکزی را در گستره نواحی توزیع کند. حوزه نفوذ یک شهر دارای یک حد کاملاً مشخص و قطعی نیست، بلکه به صورت تیفی از شدت روابط بین شهر و نقاط اطراف آن مطرح می‌شود. به طوری که هر چه از شهر مرکزی دورتر شویم شدت این روابط کمتر می‌شود. طبیعی است که این میدان نفوذ با افزایش تعیین حوزه نفوذ یک شهر می‌توان از عوامل زیر کمک گرفت:

- عرضه کالای شهری و تدارک مصنوعات ساخته شده در شهر؛
- ارائه خدمات درمانی و بهداشتی مستقر در شهر؛
- ارائه سرویس‌های خدماتی و تعمیراتی موجود در شهر؛
- شبکه ارتباطی و امکانات حمل‌ونقل مسافری و کالایی؛

شایان ذکر است که با توسعه ارتباطات و ماشینی شدن و سایر وسایط نقلیه روز به روز از مرزهای سیاسی-اداری و تعیین حوزه‌های نفوذ شهری کاسته می‌شود و بنابراین نمی‌توان حوزه‌های نفوذ شهری را با مرزهای جغرافیایی تعیین کرد (سرابی و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۱: ۴).

شاخص جمعیت

واژه جمعیت در لغت به معنی تمام افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی اعم از شهر یا روستا زندگی می‌کنند. در جمعیت‌شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را «جمعیت» می‌گویند (تقوی، ۱۳۹۵: ۳) و در اصطلاح به کلیه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (کاظمی پور، ۱۳۹۵: ۱۳).

فاصله دسترسی تا مرکز استان

دسترسی آزادی یا توانایی مردم برای برآوردن نیازهای اساسی به دلیل حفظ کیفیت زندگی‌شان و حرکت و آسانی جابجایی یا کاهش هزینه‌ها در کیلومتر و افزایش سرعت و کاهش زمان بین حرکت مقصد و مبدأ تعریف شده است (لیوین و گرب، ۲۰۰۲: ۴۱).

1. Sphere of influence

همگنی جامعه

همگنی یک نقطه سکونتگاهی با سایر نقاط یک سطح به لحاظ در پارامترهای فرهنگی مذهبی قوی و نژادی و روابط اقتصادی در تعیین مرکزیت مؤثر است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

دوگانگی یا چندگانگی قومی از اهمیت وافری برای دولت‌های جهان برخوردار است. دولت‌ها برای رسیدن به جمع‌بندی درست از وضعیت قومی و تدوین یک سیاست کارآمد نیاز به شاخص‌های مشخصی دارند. از سوی دیگر نحوه دستیابی به چنین شاخص‌ها و آمارهایی در کشورهای پرجمعیت از مسیر پیمایش‌های میدانی کلان به‌ویژه سرشماری می‌گذرد. سیاست سنتی و نانوشته دولت ایران از آغاز سرشماری‌ها در دهه ۱۳۳۰ بر این مبنا قرار گرفته است که از پرسش در خصوص زبان و ریشه قومی شهروندان به هنگام سرشماری خودداری کند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۴: ۴). همگنی جامعه فاصله دسترسی تا مرکز استان

پیشینه پژوهش

تا کنون مطالعات فراوانی چه در ایران چه در خارج از ایران درباره موضوع سازماندهی فضا و تقسیمات کشوری صورت گرفته است. از جمله تازه‌ترین این مطالعات در ایران موارد زیر را می‌توان اشاره نمود:

- (اعظمی و دبیری ۱۳۹۰)؛ تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران با استفاده از روش کتابخانه‌ایی نتیجه گرفتند: عوامل مؤثر در نحوه تقسیمات کشوری در ایران به دو دوره تقسیم شده است: دوران تاریخی که از شکل‌گیری اولین حکومت سرزمینی آغاز می‌شود و تا تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۲۸۵ ه.ش ادامه می‌یابد. دومین مرحله دوران معاصر است که از تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری و شکل‌گیری حکومت بسیط و متمرکز آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد.

- (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۱)؛ بررسی تأثیرات شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه نیافتگی آن با استفاده از روش با روش توصیفی- تحلیلی نتیجه گرفتند: که استان ایلام دارای شکلی طولیل و کشیده و دارای یک زائده در شمال شرقی است که آن را در زمره شکل‌های دنباله‌دار قرار داده است. به عبارت دیگر این استان از معایب دو شکل طولیل و دنباله‌دار برخوردار می‌باشد.

- (شکور و همکاران، ۱۳۹۳)؛ ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای با استفاده از توصیفی- تحلیلی با رویکردی توسعه‌ای نتیجه گرفتند: مشکلاتی مانند وسعت زیاد استان فارس، گسترش افقی استان فارس، نامناسب بودن شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان‌های استان فارس، تعداد زیاد شهرستان، نامناسب بودن وضعیت راه‌های ارتباطی و ... اشاره نمود که این مسائل زمینه تقسیم استان فارس را ضروری نموده است.

- (بهادر و همکاران، ۱۳۹۴)؛ سازمان‌دهی سیاسی فضا و چالش‌های ناحیه‌ای در ایران با استفاده از روش با روش تحلیلی توصیفی نتیجه گرفتند: سازماندهی نامناسب سیاسی فضا بخصوص شکل طولیل و دنباله‌دار این استان‌ها، چالش‌های زیادی را برای اداره امور آنها بوجود آورده که از مهمترین آنها می‌توان به عدم ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی، مرزهای طولانی و آسیب‌پذیری بیشتر، رقابت‌های قومی و ایلی، عدم شکل‌گیری حس تعلق، توسعه نامتوازن، عدم شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی منظم، عدم شکل‌گیری قطب رشد، تداخل حوزه‌های انتخاباتی با حوزه‌های قومی و ایلی، قوم‌گرایی، ایل‌گرایی و .. اشاره کرد.

- (لطفی، ۱۳۹۵)؛ سازمان‌دهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی نتایج پژوهش حاکی از شکاف ملموس نابرابری از لحاظ سهم شاخص‌های توسعه پایدار در سطح شهرستان‌های استان‌های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی می‌باشد که شاخص‌های مورد بررسی و رتبه‌بندی آن‌ها خود گویای این مطلب می‌باشد.

- (راحی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ بررسی سازماندهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور و آثار متنوع دیگر با استفاده از روش تحلیلی کمی نتیجه گرفتند: در مجموع مقایسه فاصله بر اساس جمعیت نشان می‌دهد که کاشان بر اساس پتانسیل جمعیتی و دوری از مرکز استان، شرایط مناسب‌تری برای ادعای جداسازی می‌تواند داشته باشد و علت اصلی آن هزینه بر بودن رفت و آمدها جهت حل مسائل اداری و مردمی به مرکز استان اصفهان است.

برخی از جدیدترین مطالعات صورت گرفته در سطح جهان نیز عبارتند از:

- (فدریکو بوفا و همکاران^۱، ۲۰۱۵)؛ در پژوهشی تحت عنوان تمرکز سیاسی و پاسخگویی دولت، با استفاده از روش خوشه بندی نشان می‌دهد: یک سیستم فدرال تنها در صورتی که اطلاعات به اندازه کافی در مناطق مختلف متفاوت باشد مطلوب است.

- (باززی و گودجان^۲، ۲۰۱۸)؛ مرزهای سیاسی تقسیمات قومی با استفاده از روش کمی تحلیلی نشان داد که بازآرایی مرزهای سیاسی فراملی می‌تواند اختلافات قومی را دگرگون کند. همچنین نشان داد که چگونه اثرات تنوع قومی بر منازعه به واحدهای سیاسی که در آن گروه‌ها سازماندهی می‌شوند بستگی دارد.

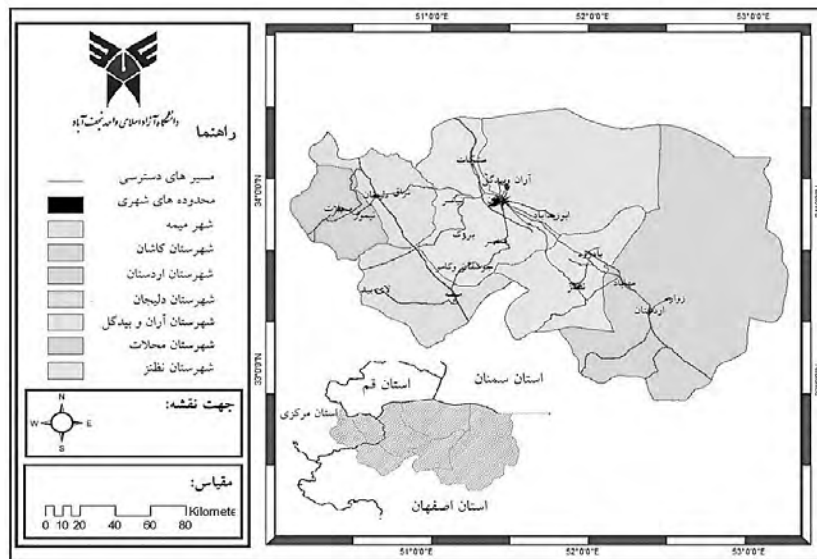
- (شرستا^۳، ۲۰۱۹)؛ ارائه مقیاس و فضایی: بازسازی مرز اداری و نقشه‌برداری با GIS در منطقه باخانگک نیال با استفاده از روش کمی و تکنیک‌های جی آی اس نتیجه گرفت که تغییر ساختار مرزهای اداری به واحد بزرگتر، جزئیات مربوط به نمایندگی مکانی را ساده‌تر کرده و تعمیم بیشتری را ارائه داده است. برای تجزیه و تحلیل سطح سیاست، استفاده از داده‌های موجود در یک سطح از واحد مکانی زمانی که در سطح بالاتر جمع می‌شوند باید با استفاده از روش‌های طبقه بندی داده‌های مختلف و ابزارهای تجسم به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند زیرا مقیاس بندی مکانی در برنامه ریزی و بعد سیاسی اهمیت دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در مقیاس مکانی مختلف برای تجسم و شناسایی تغییرات مکانی معنی دار است.

- (کرافت و نراد^۴، ۲۰۱۹)؛ مرزهای اداری، دسترسی به حمل و نقل و روابط کارکردی: ایشان نقش تحقق اصل عدالت فضایی از طریق دسترسی زمانی مراکز اداری از مناطق اداری خود و از طریق جریانهای مکانی فعلی اقتصادی-اجتماعی (بیان شده توسط رفت و آمد روزانه) ارزیابی کردند. همچنین مشکل دارترین مناطق اداری در جمهوری چک از لحاظ دسترسی و نقش آنها در فضا ذکر شد.

قلمرو جغرافیایی تحقیق

قلمرو مطالعاتی شامل شهرستان کاشان و شهرستان‌های اطراف آن بر اساس فرمول تعیین حوزه نفوذ آن شامل: آران و بیدگل، نطنز، اردستان، محلات، دلیجان، و میمه تشکیل می‌دهد (راحی و همکاران، ۱۳۹۷). شهرستان کاشان در عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه و طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۵۴ دقیقه واقع شده است. این شهرستان در شمال استان اصفهان قرار گرفته که از طرف شمال به گرمسار و قم و دریاچه نمک، از جنوب به شهرستان‌های نطنز و برخوار و میمه، از شرق به شهرستان‌های آران و بیدگل و نطنز و از غرب به محلات و دلیجان در استان مرکزی محدود می‌شود. (قندی، ۱۳۹۶: ۱۰) (شکل ۳).

1. Federico boffa et al
2. Bazzi and Gudgeon
3. Shrestha
4. Kraft and Nerad



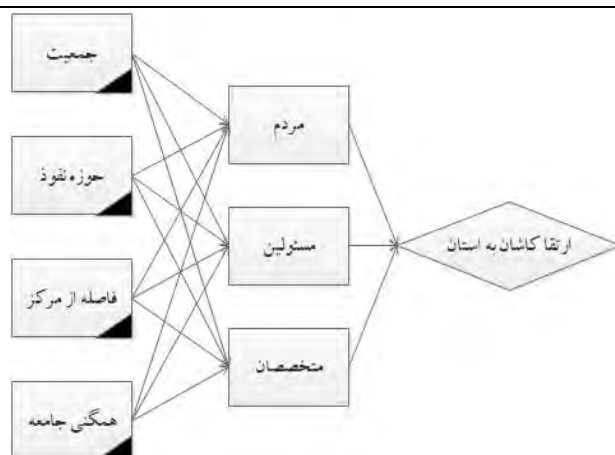
شکل (۳): قلمرو مطالعاتی و حوزه نفوذ آن

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و نیز، از نظر ماهیت، پژوهش توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. روش تحقیق این پژوهش، اسنادی و میدانی است. بدین ترتیب که در مراحل مقدماتی تبیین و تعریف مسئله و اهداف، ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق، مطالعات مقدماتی قلمرو مکانی، گزینش نمونه و تنظیم پرسشنامه و ... تا حدودی از روش اسنادی و مطالعات دفتری بهره می‌گیرد؛ و در مراحل اجرای یافته‌های تحقیق، یعنی گردآوری داده‌ها برای اندازه‌گیری متغیرها از مطالعات میدانی استفاده شد. با توجه به ماهیت تحقیق و اقتضای روش‌های مورد استفاده در آن‌ها، از تکنیک‌های گردآوری اسناد و آمار و پرسش‌گری استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل سه دسته مردم، متخصصین و کارشناسان حوزه جغرافیای سیاسی و مسئولین منتخب از شهرستان‌های کاشان و حوزه نفوذ آن (ذکر شده در قسمت محدوده مطالعاتی) انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده استفاده کردیم. و برای تعیین حجم نمونه‌ها برای (۳۸۴ نفر از مردم، ۲۳ نفر از مسئولین مربوطه و ۱۷ نفر از کارشناسان) از فرمول کوکران و جدول مورگان استفاده شد همچنین ابزاری که در تکنیک پرسش‌گری مورد استفاده محققین قرار گرفت، پرسشنامه محقق ساخته بوده و تحلیل داده‌ها در نهایت در نرم‌افزار اسپاس با استفاده از روش آزمون تعقیبی مانکن و آنالیز واریانس، مورد بررسی قرار گرفتند. شکل زیر مدل مفهومی پژوهش و مراحل آن را نشان می‌دهد (شکل ۴). به منظور روایی محتوای پرسشنامه و همچنین سنجش روایی، از روایی همگرا و واگرا به روش دلفی (نظر خبرگان) که شامل استادان و کارشناسان این حوزه است، ارزیابی شد؛ و برای بررسی پایایی، از آزمون آماری آلفای کرونباخ استفاده شد. هر قدر شاخص آلفای کرونباخ به ۱ نزدیک‌تر باشد، همبستگی درونی بین سؤالات بیشتر و در نتیجه پرسش‌ها همگن‌تر خواهند بود. کرونباخ ضریب پایایی ۰/۴۵ را کم، ۰/۷۵ را متوسط و قابل قبول و ضریب ۰/۹۵ را زیاد پیشنهاد کرده (کرونباخ، ۱۹۵۱). ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش در جدول زیر (جدول ۱) محاسبه شد.

جدول (۱): محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	آلفای کرونباخ
جمعیت	۰/۸۱
فاصله دسترسی به مرکز	۰/۹۲
همگنی جامعه	۰/۸۵
حوزه نفوذ	۰/۸۷



شکل (۴): مدل مفهومی روش انجام پژوهش

بحث و یافته‌ها

در تحلیل یافته‌های این مطالعه، در گام نخست، به تعیین حجم نمونه پرداخته شد. دو نمونه از روش‌های متداول در تحقق این هدف، استفاده از فرمول شارل کوکران و جدول مورگان است. برای بررسی جامعه مردم شهرستان‌ها از فرمول کوکران و برای مسئولین و کارشناسان جغرافیای سیاسی به علت محدود بودن جامعه آماری این دو گروه، از جدول مورگان استفاده شد. حجم جامعه نمونه آماری به ترتیب برای ۳۸۴ نفر از مردم، ۲۳ نفر از مسئولین مربوطه و ۱۷ نفر از متخصصان تعیین گردید. در این پژوهش، بر اساس مقیاس ترتیبی و طیف پنج درجه‌ای لیکرت، از پرسشنامه‌ای پنج گویه‌ای به‌عنوان ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات، استفاده شد.

توزیع فراوانی جنس پاسخگویان

برای متغیر جنس، فراوانی و درصد، محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. در گروه مردم، ۵۸/۹ درصد مرد و ۴۱/۱ درصد زن هستند. در گروه مسئولین، ۹۱/۳ درصد مرد و ۸/۷ درصد زن هستند. در گروه متخصصین ۶۴/۷ درصد مرد و ۳۵/۳ درصد زن هستند (جدول ۲).

جدول (۲): توزیع جنسیت پاسخگویان

جنس	مردم		مسئولین		متخصصین	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
مرد	۵۸/۹	۲۲۶	۹۱/۳	۲۱	۶۴/۷	۱۱
زن	۴۱/۱	۱۵۸	۸/۷	۲	۳۵/۳	۶
کل	۱۰۰/۰	۳۸۴	۱۰۰/۰	۲۳	۱۰۰/۰	۱۷

توزیع فراوانی سن پاسخگویان

برای متغیر سن، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. در گروه مردم، ۲۲/۴ درصد زیر ۲۰ سال، ۲۱/۱ درصد بین ۲۰-۳۰ سال، ۱۹/۳ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۲۰/۶ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۱۶/۷ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. در گروه مسئولین، ۲۶/۱ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۴۳/۵ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۳۰/۴ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند. در گروه متخصصین ۴۷/۱ درصد بین ۳۱-۴۰ سال، ۳۵/۳ درصد بین ۴۱-۵۰ سال و ۱۷/۶ درصد بالای ۵۰ سال سن دارند (جدول ۳).

جدول (۳): توزیع فراوانی وضعیت سنی پاسخگویان

سن	مردم		مسئولین		متخصصین	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
>۲۰	۸۶	۲۲/۴	-	-	-	-
۲۰-۳۰	۸۱	۲۱/۱	-	-	-	-
۳۱-۴۰	۷۴	۱۹/۳	۶	۲۶/۱	۸	۴۷/۱
۴۱-۵۰	۷۹	۲۰/۶	۱۰	۴۳/۵	۶	۳۵/۳
<۵۰	۶۴	۱۶/۷	۷	۳۰/۴	۳	۱۷/۶
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۲۳	۱۰۰/۰	۱۷	۱۰۰/۰

توزیع فراوانی میزان تحصیلات

برای متغیر تحصیلات، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است (جدول ۴).

جدول (۴): توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی پاسخگویان

تحصیلات	مردم		مسئولین		متخصصین	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ابتدایی	۶۰	۱۵/۶	-	-	-	-
راهنمایی	۹۷	۲۵/۳	-	-	-	-
دیپلم	۱۱۲	۲۹/۲	-	-	-	-
لیسانس	۷۴	۱۹/۳	۱۰	۴۳/۵	۲	۱۱/۸
ارشد و دکتری	۴۱	۱۰/۷	۱۳	۵۶/۵	۱۵	۸۸/۲
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۲۳	۱۰۰/۰	۱۷	۱۰۰

توزیع فراوانی شهر

برای متغیر شهر، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. از کل نمونه مورد بررسی، ۴/۷ درصد از اردستان، ۴۰/۶ درصد از کاشان، ۴/۹ درصد از نطنز، ۲۶/۳ درصد از آران و بیدگل، ۱۱/۵ درصد از شاهین شهر و میمه، ۶/۳ درصد از محلات و ۵/۷ درصد از دلپجان است (جدول ۵).

جدول (۵): توزیع فراوانی محل اقامت پاسخگویان

شهر	فراوانی	درصد
اردستان	۱۸	۴/۷
کاشان	۱۵۶	۴۰/۶
نطنز	۱۹	۴/۹
آران و بیدگل	۱۰۱	۲۶/۳
شاهین شهر و میمه	۴۴	۱۱/۵
محلات	۲۴	۶/۳
دلپجان	۲۲	۵/۷
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰

شاخص‌های توصیفی متغیرها

برای متغیرهای اصلی تحقیق، میانگین، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه شده است. نتایج این محاسبات در جدول زیر ارائه شده است. نمرات در بازه ۱ تا ۵ قابل تغییر هستند (جدول-۶).

جدول (۶): شاخص‌های توصیفی متغیرها

متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
نقش مولفه جمعیت در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۵۸	۰/۸۷	-۰/۳۲	-۰/۵۴	۱/۲۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۶۹	۰/۶۵	-۰/۶۱	۰/۷۱	۲/۰۰	۴/۸۰
	متخصصین	۱۷	۳/۱۸	۰/۴۶	۰/۴۰	-۰/۸۲	۲/۶۰	۴/۰۰
نقش میزان فاصله از مرکز در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۵۶	۰/۹۲	-۰/۴۰	-۰/۶۷	۱/۲۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۴۴	۰/۶۹	-۰/۵۶	۰/۷۴	۱/۴۰	۴/۲۰
	متخصصین	۱۷	۳/۲۹	۰/۵۷	۰/۱۴	-۰/۶۶	۲/۴۰	۴/۲۰
نقش دوری حوزه نفوذ در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۴۴	۰/۷۵	-۰/۱۹	-۰/۳۵	۱/۶۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۱۸	۰/۸۹	۰/۲۶	-۰/۳۴	۱/۶۰	۵/۰۰
	متخصصین	۱۷	۲/۹۶	۰/۸۰	-۰/۱۸	-۰/۵۳	۱/۶۰	۴/۴۰
نقش همگنی جامعه در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۳/۲۴	۰/۹۷	۰/۰۱	-۰/۹۴	۱/۰۰	۵/۰۰
	مسئولین	۲۳	۳/۵۷	۰/۳۷	-۰/۶۵	۰/۶۶	۲/۶۰	۴/۲۰
	متخصصین	۱۷	۳/۱۲	۰/۶۲	۰/۱۰	-۰/۵۸	۲/۰۰	۴/۲۰

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

ابتدا باید از توزیع آماری متغیری که مورد آزمون قرار می‌گیرد، اطمینان حاصل کرد. برای نمونه، پیش‌نیاز گرفتن آزمون‌های پارامتری نرمال بودن توزیع آماری متغیرهاست. برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون، نشان دهنده نرمال بودن توزیع متغیر است. اگر سطح معنی‌داری آزمون، بزرگتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر تایید شده است و نتیجه گرفته می‌شود که توزیع متغیر مورد نظر، نرمال می‌باشد. با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده، این نتیجه بدست می‌آید که تمام متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند (سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵)، (جدول ۷).

جدول (۷): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیرها	گروه	تعداد	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
نقش مولفه جمعیت در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۹۸	۰/۰۸۱
	مسئولین	۲۳	۰/۶۸۵	۰/۷۳۶
	متخصصین	۱۷	۰/۶۰۳	۰/۸۶۰
نقش میزان فاصله از مرکز در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۶۹	۰/۰۹۵
	مسئولین	۲۳	۱/۱۶۰	۰/۱۳۶
	متخصصین	۱۷	۰/۷۱۴	۰/۶۸۷
نقش دوری حوزه نفوذ در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۶۲	۰/۰۹۷
	مسئولین	۲۳	۰/۴۸۸	۰/۹۷۱
	متخصصین	۱۷	۰/۶۷۹	۰/۷۴۶
نقش همگنی جامعه در ارتقاء شهرستان کاشان	مردم	۳۸۴	۱/۲۷۶	۰/۰۹۳
	مسئولین	۲۳	۰/۷۹۲	۰/۵۵۷
	متخصصین	۱۷	۰/۴۳۸	۰/۹۹۱

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای تحلیل تاثیر پارامترها از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ می‌باشند. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است، در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده نقش بیشتر و در صورتی که میانگین کمتر از ۳ باشد نشان دهنده نقش کمتر است. نتایج این آزمون در جدول زیر آمده است (جدول ۸).

جدول (۸): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان نقش شاخص‌ها در ارتقاء شهرستان کاشان

مقدار آزمون = ۳						گروه	متغیر
سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۳/۱۷	۰/۸۷	۳/۵۸	۳۸۴	مردم	نقش مولفه جمعیت در ارتقاء شهرستان کاشان
۰/۰۰۱	۲۲	۵/۰۳	۰/۶۵	۳/۶۹	۲۳	مستولین	
۰/۱۳۶	۱۶	۱/۵۷	۰/۴۶	۳/۱۸	۱۷	متخصصین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۳۶	۰/۷۵	۳/۴۴	۳۸۴	مردم	نقش دوری حوزه نفوذ در ارتقاء شهرستان کاشان
۰/۳۳۵	۲۲	۰/۹۹	۰/۸۹	۳/۱۸	۲۳	مستولین	
۰/۸۵۸	۱۶	-۰/۱۸	۰/۸۰	۲/۹۶	۱۷	متخصصین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۴/۸۶	۰/۹۷	۳/۲۴	۳۸۴	مردم	نقش همگنی جامعه در ارتقاء شهرستان کاشان
۰/۰۰۱	۲۲	۷/۴۷	۰/۳۷	۳/۵۷	۲۳	مستولین	
۰/۴۴۹	۱۶	۰/۷۸	۰/۶۲	۳/۱۲	۱۷	متخصصین	
۰/۰۰۱	۳۸۳	۱۱/۸۷	۰/۹۲	۳/۵۶	۳۸۴	مردم	نقش میزان فاصله از مرکز در ارتقاء شهرستان کاشان
۰/۰۰۵	۲۲	۳/۰۸	۰/۶۹	۳/۴۴	۲۳	مستولین	
۰/۰۵۱	۱۶	۲/۱۱	۰/۵۷	۳/۲۹	۱۷	متخصصین	

برای مقایسه تاثیر شاخص‌ها، از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است. فرض صفر در آنالیز واریانس برابر بودن میانگین متغیر وابسته در تمام سطوح متغیر مستقل (شهر) است. اگر سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد خواهد شد. سطح معنی داری آنالیز واریانس برابر ۰/۰۰۱ است. با توجه به کوچکتر بودن سطح معنی داری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان در بین ساکنان شهرهای مختلف تفاوت معنی داری دارد (جدول ۹).

جدول (۹): نتایج آنالیز واریانس برای بررسی مقایسه نقش مؤلفه‌های رسمی و قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان در بین ساکنان شهرهای مختلف

سطح معنی داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شهرستان	متغیر
۰/۰۰۱	۷/۴۴۴	۰/۴۹	۳/۴۸	۱۸	اردستان	نقش مؤلفه‌های رسمی و قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان
		۰/۶۰	۳/۵۹	۱۵۶	کاشان	
		۰/۵۹	۳/۴۷	۱۹	نطنز	
		۰/۵۹	۳/۳۳	۴۴	میمه	
		۰/۵۹	۳/۷۰	۱۰۱	آران و بیدگل	
		۰/۷۵	۳/۰۴	۲۴	محلات	
		۰/۳۹	۳/۰۱	۲۲	دلیجان	

نتایج بدست آمده از آزمون تعقیبی دانکن، نشان می‌دهد که میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان و تبدیل آن به استان در میان ساکنان شهرستان آران و بیدگل بیشتر از شهرستان‌های شاهین شهر و میمه، محلات و دلیجان است. همچنین این فرایند در بین ساکنان شهرستان‌های نطنز، اردستان و کاشان بیشتر از شهرستان‌های محلات و دلیجان است (جدول ۱۰).

جدول (۱۰): نتایج آزمون تعقیبی دانکن برای مقایسه‌های زوجی نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان بر حسب شهر

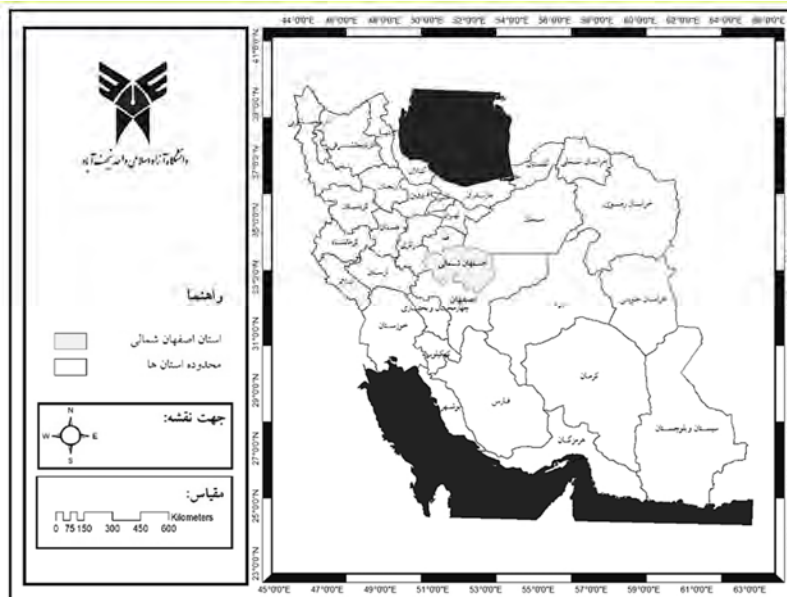
زیرگروه‌ها در سطح ۰/۰۵				تعداد	شهرستان
زیرگروه ۴	زیرگروه ۳	زیرگروه ۲	زیرگروه ۱		
-	-	-	۳/۰۱	۲۲	دلیجان
-	-	۳/۰۴	۳/۰۴	۲۴	محلات
-	۳/۳۳	۳/۳۳	-	۴۴	میمه
۳/۴۷	۳/۴۷	-	-	۱۹	نطنز
۳/۴۸	۳/۴۸	-	-	۱۸	اردستان
۳/۵۹	۳/۵۹	-	-	۱۰۱	آران و بیدگل
۳/۷۰	-	-	-	۱۵۶	کاشان

در نهایت برای آزمون فرضیات مطرح شده، از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. که دامنه‌ای میان نمرات بین ۱ تا ۵ را در بر می‌گیرد. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده نقش بیشتر و در صورت میانگین کمتر از ۳ نشان دهنده نقش کمتر است. نتایج حاصل در جدول زیر بصورت خلاصه برای فرضیات چهارگانه این پژوهش درج شده است (جدول ۱۱):

جدول (۱۱): نتایج حاصل از آزمون تی برای فرضیات پژوهش

وضعیت	کارشناسان جغرافیای سیاسی	مسئولین	مردم	فرضیه
قابل قبول	$(m=۳/۱۸ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	$(m=۳/۶۹ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۵۸ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	فرضیه اول
قابل قبول	$(m=۳/۲۹ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	$(m=۳/۴۴ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۵۶ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	فرضیه دوم
قابل قبول	$(m=۲/۹۶ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	$(m=۳/۱۸ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	$(m=۳/۴۴ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	فرضیه سوم
قابل قبول	$(m=۳/۱۲ \text{ و } p > ۰/۰۵)$	$(m=۳/۵۷ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	$(m=۳/۲۴ \text{ و } p < ۰/۰۵)$	فرضیه چهارم

با توجه به مقایسه سه طیف مورد بررسی شامل مردم، مسئولین و کارشناسان جغرافیای سیاسی، نتایج نشان داد مسئولین ذی‌ربط، خوش‌بینانه‌ترین نظر را نسبت به ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامون آن و تبدیل به استان داشتند. همچنین مردم نیز به طور نسبی نظرات موافقی داشتند، در مقابل کارشناسان جغرافیای سیاسی به دلیل هزینه‌هایی که ممکن است این تغییرات بر دوش دولت بگذارد، نسبتاً موافقت کمتری با این فرایند ارائه داده‌اند. نهایتاً با توجه به یافته‌های پژوهش استان کاشان تحت عنوان استان اصفهان شمالی پیشنهاد گردید (شکل ۵).



شکل (۵): تقسیمات کشوری پیشنهادی پژوهش حاضر در ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامون به یک استان

نتیجه‌گیری

به طور کلی تقسیم قدرت بین مرکز و نواحی پیرامون بر مبنای حوزه نفوذ و ناحیه‌بندی سیاسی درون کشور، نتیجه تفکری سیستمی در نظام سیاسی هر کشور است که نیازمند آمایش جغرافیایی فضا است. از این رو اداره سرزمین و چگونگی آن از مهم‌ترین امور کشورداری است که باید بر اساس مؤلفه‌های کارآمدی باشد که بتواند به تعادل فضایی و حفظ تمامیت ارضی کشور منجر شود. لازمه تحقق چنین بستری، شناسایی، نگاه همه‌جانبه و سیستماتیک به مقوله سازماندهی سیاسی فضا و مؤلفه‌های آن می‌باشد تا بتواند تمامی جریان‌های حرکتی موجود در سطوح مختلف ساختار سیاسی فضا (کشور) را پوشش دهد. در این تحقیق تلاش شد به کمک تجزیه و تحلیل آماری از میان‌مثنی از جامعه آماری مرتبط با مقوله سازماندهی سیاسی فضا متشکل از جامعه محلی، مسئولین و کارشناسان دانش جغرافیای سیاسی، ماهیت و ضرورت ارتقای شهرستان کاشان و نواحی پیرامون را به یک استان با هدف کلان تعادل جدید فضایی مورد بررسی قرار دهد. با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل‌های آماری صورت گرفته می‌توان گفت در مجموع با توجه به بررسی‌ها و نظرات در حد قابل قبولی در راستای ارتقاء شهرستان کاشان و پیرامونی به یک استان قرار داشت. آنچه از نتایج آزمون تعقیبی دانکن برای مؤلفه‌های سازماندهی سیاسی فضا در تمایل به تاسیس استان در شهرستان‌های مورد بررسی می‌توان تحلیل نمود، این است که با دور شدن از مرکز شهرستان کاشان، میزان نقش مؤلفه‌های رسمی، قانونی و علمی در ارتقاء شهرستان کاشان از نظر مردم و مسئولین، کمتر می‌شود. از بین مردم و مسئولین و متخصصان، استان شدن کاشان از نظر مسئولین دارای بالاترین ارزش است و از دیدگاه کارشناسان ارزش کمتری دارد. همچنین متغیرهای جمعیت، فاصله دسترسی، حوزه نفوذ، همگنی جمعیت به ترتیب اولویت در ارتقا کاشان به استان مؤثرند. در نهایت بنابر نتایج این مطالعه نقشه زیر می‌تواند در سطوح ملی مورد بررسی و بازنگری قرار گیرد (شکل - ۷).

منابع

- احمدی پور، زهرا؛ قنبری، عزیز الله؛ حافظ نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۹). تأثیر الگوی تقسیمات کشوری بر توسعه فضای جغرافیایی؛ مورد مطالعه: استان زنجان. مدرس علوم انسانی سال چهاردهم ۳۹.
- احمدی پور، زهرا. قنبری، قاسم. عاملی، عاطفه. (۱۳۸۸). تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان فارس. ژئوپولیتیک، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۹-۴۷.
- احمدی پور، زهرا. میرشکاریان، یحیی. هوکارد، برنارد. (۱۳۹۳). سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط. ژئوپولیتیک شماره ۳۵، صص ۱۸۰-۲۰۴.
- احمدی پور، زهرا؛ شیخی، محمد؛ بیگلر، معصومه؛ چمران، بویه؛ (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر انتزاع استان‌ها پس از انقلاب اسلامی از منظر جغرافیای سیاسی و علوم منطقه‌ای. برنامه‌ریزی و آمایش فضا ۱۶(۱۸): ۱-۲۰.
- اطاعت جواد. موسوی، سیده زهرا. تمرکز زدایی و توسعه پایدار در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۸۹-۱۰۶، ۱۳۸۹.
- اعظمی، هادی. دبیری، علی اکبر (۱۳۹۱). تحلیل عناصر تهدید اقتصادی- کارکردی و شکلی-کالبدی در نظام تقسیمات کشوری ایران. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای (۱۸): ۱۷۹-.
- اعظمی، هادی. دبیری، علی اکبر. (۱۳۹۰). تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران. ژئوپولیتیک سال هفتم (۲): ۱۴۷-۱۸۱.
- بلوچی، محمد؛ لطفی، حیدر (۱۳۹۶). "بررسی نظام تقسیمات کشوری در ایران: مطالعه موردی استان سمنان در راستای ارائه یک مدل علمی بر مبنای متغیرهای جغرافیایی." نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی سال دهم: ۱۵-۴۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ بهادر، غلامی؛ میر احمدی، فاطمه سادات؛ ویسی، عبدالکریم؛ خلیلی، سعید؛ (۱۳۹۱). بررسی تأثیرات شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه‌نیافتگی آن. برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۲): ۷۹-۹۲.
- حافظ نیا، محمدرضا. جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۸). جغرافیای سیاسی ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- راحی، محمد؛ مهکویی، حجت؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ شمس‌الدینی، علی؛ (۱۳۹۷). بررسی سازمان‌دهی سیاسی فضا در نواحی سکونتگاهی کشور مورد مطالعه: شهرستان کاشان. برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۸): ۸۹-۱۰۲.
- رومینا، ابراهیم؛ (۱۳۹۳). تبیین رابطه فاصله جغرافیایی و توسعه‌نیافتگی؛ مورد: استان‌ها در ایران. مدرس علوم انسانی (برنامه‌ریزی و آمایش فضا) سال هجدهم (۴): ۱۲۹-۱۴۸.
- سرای، محمد حسین؛ پومحمد، اسماعیل (۱۳۹۱). "ارزیابی کنش متقابل حوزه‌های نفوذ شهری در شبکه شهری استان آذربایجان شرقی." تحقیقات جغرافیایی سال بیست و هفتم (۲): ۵۷-.
- شکور، علی؛ زنگی‌آبادی، علی؛ کریمی قطب‌آبادی، فضل اله؛ (۱۳۹۳). ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای؛ (مطالعه موردی: استان فارس). برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۴): ۱-۱۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۹). جغرافیای اجتماعی شهرها: اکولوژی اجتماعی شهر، جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی)، بخش فرهنگی.
- علی محمدی، عباس. عاملی، عاطفه. قنبری، قاسم. امکان سنجی سیستم اطلاعات جغرافیایی در ایجاد و تعیین مرکزیت واحدهای اداری- سیاسی، مطالعه موردی: شهرستان کرج، ژئوپولیتیک، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۷۷-۲۰۰، ۱۳۸۷.
- قالیباف، محمداقبر. (۱۳۸۶). حکومت محلی، یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- قندی، اصغر؛ (۱۳۹۶). جغرافیای شهرستان کاشان، سنجش و دانش.
- کریمی پور، یدالله. مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری، جلد ۱: وضع موجود، تهران: انتشارات انجمن جغرافیایی ایران، ۱۳۸۱.
- لطفی، حیدر؛ (۱۳۹۵). سازمان‌دهی سیاسی فضا بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار در پراکنش فضایی نابرابری‌های ناحیه‌ای در سه استان خراسان بزرگ. پژوهشنامه خراسان بزرگ (۷): ۷۵-۹۰.

مقیمی، ابراهیم. مطالعه تطبیقی تقسیمات اداری ایران با حوضه‌های هیدروژئومورفولوژی و تغییرات آن در قرن ۲۱، تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۶۵-۶۶، صص ۱۱۵-۱۲۶، ۱۳۸۱.

Boffa, F., et al. (2015). "Political centralization and government accountability." *The Quarterly Journal of Economics* 131(1): 381-422.

Gerring, J., et al. (2004). Are unitary systems better than federal systems? Annual Meeting of the American Political Science Association, Chicago.

Kraft, S. and J. Nerad (2019). "Administrative Boundaries, Transport Accessibility and Functional Relations: a Critical Review of Administrative Regions in the Czech Republic from a Spatial Perspective." *Transylvanian Review of Administrative Sciences* 15(56): 60-76.

Shrestha, S. (2019). "Scale and spatial representation: Restructuring of administrative boundary and GIS mapping in Bajhang district, Nepal." *Geographical Journal of Nepal* 12: 25-40.

Villalobos, J. M. L., et al. (2018). "Mapping political space and local knowledge: power and boundaries in an Hñahñu (Otomi) territory in Valle del Mezquital, Mexico, 1521-1574." *Journal of Historical Geography* 60: 64-76.

Yat-Sen, S. (2009). *The international development of China*, BiblioBazaar, LLC.

<https://www.amar.org.ir/>

Bazzi, S. and M. Gudgeon (2018). *The political boundaries of ethnic divisions*, National Bureau of Economic Research.

